

## راهکارهای شناخت استشهاده‌نامه<sup>۱</sup>

حسن زندیه<sup>۲</sup>

مریم بلندی<sup>۳</sup>

### چکیده

سندشناسی، تبیین توسعه تاریخی اسناد، و ساختارشناسی آنان گوناگون است. سندشناسان معتقدند که اسناد تاریخی را بایست با کمک دانش و فن سندشناسی، قاعده‌مند و تعریف و تشریح کرد. به این ترتیب، ساختارشناسی اسناد و کاربرد تمامی اسناد تاریخی، طبیعتاً از جمله مصادیق اصلی دانش سندشناسی به شمار می‌آید.

اسناد و نوشته‌های شرعی بسیار زیادی از دوره قاجاریه باقی مانده‌اند از آن جمله استشهاده‌نامه‌ها، که حاصل نظام فقهی - قضایی آن دوره بوده است؛ استشهاده‌نامه‌ها مانند سایر اسناد شرعی دارای ساختار خاصی هستند که با موشکافی دقیق سندشناسانه می‌توان به آن‌ها دست یافت. این اسناد به لحاظ ساختاری ساده‌تر از سایر اسناد شرعی بوده و در اغلب موارد متنی کوتاه دارند، و با وجودی که دارای نوعی ساختار سندنویسی مجزا نسبت به سایر اسناد هستند، اما سبک و ساختار مشخص و ثابتی در نگارش این اسناد دیده نمی‌شود. نویسندگان و محرران در نگارش این اسناد، خود را ملزم به تبعیت از شیوه‌ای ثابت نمی‌دیدند و تنها قصد خود را از نگارش این عقد بیان می‌کردند.

روش پژوهش حاضر به لحاظ ماهیت تاریخی خود، توصیفی است و اطلاعات لازم از طریق بررسی منابع، مدارک و اسناد مربوط گردآوری شده است. بدین ترتیب در این مقاله ابتدا معیارهای شناخت استشهاده‌نامه‌ها بیان می‌شود و جهت شناخت بیش‌ترین مبحث، نمونه‌هایی فرضی که در جنگ‌ها و منشآت و ترسل‌ها ارائه شده‌اند، ذکر می‌شوند تا به نوعی ادبیات سندنویسی و اصول نگارشی استشهاده‌نامه‌ها بیان گردد؛

۱. این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی مصوب در پژوهشگاه حوزه دانشگاه می‌باشد.

۲. استادیار گروه تاریخ دانشگاه تهران. [zandiyehh@ut.ac.ir](mailto:zandiyehh@ut.ac.ir).

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تاریخ، (اسناد و مدارک آرشیوی) - [Bolandi1388@gmail.com](mailto: Bolandi1388@gmail.com).

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۹/۸

۱۳۹۴/۷/۱۵

### واژگان کلیدی

سند، شهادت، استشهادنامه، ساختار، عقد.

### استشهادیه چیست؟

استشهادیه ورقه حاوی گواهی جماعتی از گواهان است؛ در قدیم نیز آن را محضر می‌گفتند (رضایی، ۱۳۸۷: ۱۷۶). پرسش مکتوب فردی است در باب دادن گواهی در مورد امری و پاسخ جمعی با شرایط خاص که در جریان امر شناخته شده‌ای بوده‌اند. معمولاً کسی که سؤال را مطرح می‌کرده از خود نام نمی‌برده است و اغلب تاریخ تحریر را نیز نمی‌نوشته است. از این نوشته با اسامی شهادت‌نامه، استعلام‌نامه، استشهادیه، استشهادنامه و ورقه استشهاد نام برده شده است (حسینی اشکوری، ۱۳۷۸: ۹۲).

این اسناد، با وجودی که پس از تولید، اهمیت خود را بالفعل از دست داده‌اند، با گذشت زمان اهمیت شایانی یافته‌اند. با بررسی در این اسناد، می‌توان به بسیاری از مسائل تاریخی پی برد که به علت شخصی بودن در تاریخ ثبت نمی‌شدند.

استشهادیه‌ها، از جمله اسناد شرعی هستند که در نگاه اول تشخیص دادن آن‌ها کار مشکلی به نظر می‌رسد، زیرا معمولاً محقق این نوع سند در ابتدای امر به دنبال اسنادی می‌رود که دارای شهود زیادی بوده و این در حالی است که تنها استشهادنامه‌ها نیستند که دارای مهر و گواه هستند، بلکه انواع اسناد شرعی مانند مصالحه‌نامه، وقف‌نامه، عقدنامه، مقاطعه‌نامه، مبیعه‌نامه، تمسک‌نامه، تسعیر نامه و غیره نیز ممکن است به خاطر داشتن گواه، استشهادنامه به نظر برسند، اما در حقیقت تنها کارکرد استشهادی دارند و به لحاظ ساختاری در زمره انواع دیگری از اسناد شرعی به شمار می‌آیند.

استشهادنامه، سندی حدفاصل و بخشی از یک جریان است و مانند سایر اسناد اثری مستقل نیست. به این معنی که با مشاهده یک استشهادنامه، نباید تصور شود که قضیه از همان جا شروع شده و به همان جا نیز ختم می‌شود. بلکه جریان از این قرار است که ماجرای اتفاق افتاده و نیاز به مدارک و مستندات برای رسیدگی به آن امر وجود دارد، و در صورتی که هیچ مدرکی فراهم نشود، جهت بررسی واقعه، از مطلعین و شهود گواهی خواسته می‌شود. مثلاً در صورتی که از کسی حقی ضایع شده، جهت

احقاق حق، ابتدا شکایتی صورت گرفته و شکایت‌نامه‌ای تنظیم شده و در صورت رفع نشدن مسأله، استشهدانامه تنظیم می‌شود. البته پس از تنظیم استشهدانامه نیز حتماً ختم مسأله صورت نمی‌گیرد، بلکه روند جریان از طریق تحقیق در مورد ماجرا و رسیدگی به درستی و تصدیق شهود ادامه دارد.

فقه و حقوق در دوره قاجار با ویژگی‌های خاص خود ریشه در گذشته دارد. در این دوره نیز بنا برروال سندنویسی، این دسته از اسناد شرعی برای اثبات دعوی نوشته و ثبت می‌شدند. در سیر و تفحص در کتب تاریخی، به نمونه‌هایی از تهیه استشهدانامه‌های مهم در ادوار مختلف تاریخی برخورد می‌شود که میزان تأثیر یک قبالة در تولید یک جریان مهم تاریخی و متأثر ساختن ساختار اجتماعی و اقتصادی و مذهبی و روان‌شناختی از آن را به ما نشان می‌دهد که با انتشار این اسناد، می‌توان به بسیاری از حقایق پی برد و بسیاری از داوری‌های ناروای شایعه‌نویسان را محکوم کرد.

### نمونه‌های فرضی

یکی راه‌کارهای موجود برای شناخت استشهدانامه‌ها، استفاده از نمونه‌های فرضی ارائه شده در جنگ‌ها و منشآت و ترسلات است. در این‌گونه کتب، نمونه‌هایی از اسناد مختلف آورده شده است که با رجوع به آن‌ها می‌توان با ساختار انواع سند آشنا گردید. اگر چه نمونه‌های فرضی که در جنگ‌ها ثبت شده‌اند، سجل دار نیستند و این خود نقص بزرگی به شمار می‌آید، اما چون اسناد و ادله‌های شرعی، بنا به ماهیت و شرایط زمان وقوع عقد، انشعابات گوناگونی می‌یابند، لذا هر سند پژوهی باید علاوه بر بررسی اسناد واقعی به جا مانده، به سه دلیل از نمونه‌های فرضی ارائه شده در جنگ و مجموعه‌ها نیز استفاده نماید؛

۱. چه بسا در آثار خطی، سندی ارائه شده باشد که در میان اسناد واقعی امروز، نمونه‌ای از آن وجود نداشته باشد.

۲. نمونه واقعی موجود، نتواند صورت‌های متنوع تحریر آن عقد را، در یک دوره معین به خوبی بر ملاً سازد.

۳. نمونه‌های واقعی به حدی انگشت‌شمار باشند که نتوانند تحولات نگارش آن

سند خاص را هویدا نماید (رضایی، ۹۱).

در این قسمت چند مورد از نمونه‌های فرضی، با ارائه نام و آدرس نسخه‌ای که در آن‌ها نگاشته شده‌اند، ذکر می‌گردد:

### نسخه شماره ۱۵

جنگ خطی‌ای از دوره تیموری و عثمانی (رضایی: ۹۱) به شماره بازیابی ۱۷۵۲۳، در بخش نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگه‌داری می‌شود. عنوان این نسخه، منشآت و ترسل تیموری و عثمانی است که نام نویسنده و تاریخ تحریر آن نامعلوم است. این نسخه در ۳۸۱ صفحه گردآوری شده است. آغاز نسخه: و افواج رسانید و چون عواید رحمانی و فواید یزدانی انگاشت، دیده زانور دل را راحت و سرور ظاهر شد.<sup>۱</sup> و انجام آن: چو در ضمان سلامت و حمایت حراست حق باد مننه و خفی لطف xxx (فقیهاً مناظراً). به غیر عناء و الجنون فنون xxن الکتاب x مال دون مشقه. بحمد xxx يعلم xxx.

یک مورد نمونه فرضی از استشهادنامه نویسی، در این نسخه خطی چنین معرفی شده است: محضر در صلاح کسی: به خدمت حضرت اکابر دین و دولت و اعظم ملک و ملت که متکفلان مصالح انام و متجملان میثاق اسلام‌اند، اعز الله انصارهم و ضاعف اقتدارهم بندگان کمینه، بعد از تقبیل زمینی عبودیت و اقامت شرایط و وظایف طعولت عرض می‌دارند و گواهی می‌دهند، خالصاً بوجه الله و طلباً مرضاته بعد حمد الله تعالی و الصلوه علی النبی و بهتر افعال و اقوالی در معقولات راست گفتن است و حق را باطل جدا<sup>۲</sup> کردن و آنچه علم آدمی محیط است به راستی باز نمودن و نص قرآن مجید بر آن ناطق است، تعاونوا علی الأثم و العدوان و حدیث رسول ﷺ در این معنی موافق که ان الله فی عفی العبد مادام العبد فی عفی اخیه المسلم که فلان شخص صالح است و به انواع دیانت و راست‌پیشگی و اصناف صیانت و درستکاری معروف و موصوف و به خصال حمیده و احوال پسندیده مرسوم و تهمتی که صاحب

۱. صفحات آغازین نسخه از بین رفته و شروع نسخه از صفحه ۷ آن آغاز می‌شود.

۲. هر علامت x نشانه یک لغت مخدوش است.

۳. در متن: جدا.

غرض در حق وی نموده است، برق السّاحه شد و هر جایی که احتیاج افتد ما گواهی می‌دهیم ﴿وَمَا شَهِدْنَا إِلَّا بِمَا عَلَّمْنَا وَ مَا كُنَّا لِلْغَيْبِ حَافِظِينَ﴾<sup>۱</sup>.

## نسخه شماره ۲

جنگ خطی‌ای از دوره صفویه به شماره بازیابی ۴۷۴۶، در کتابخانه و موزه ملی ملک نگه‌داری می‌شود، که نوزده نوع قباله و سند در آن معرفی شده است. ظاهراً این جنگ چون نامی نداشته در فهرست با نام جنگ نظم و نثر معرفی شده است. در فهرست کتابخانه ملی ملک، این نسخه چنین معرفی شده است (افشار: ۷۷-۷۹):

شکسته نستعلیق با تاریخ‌هایی از ۱۱۶۱ تا ۱۱۶۴، عنوان و نشان و جدول شنگرف، ۲۰۵ برگ با قطع ۲۹/۱۸×۴/۷ سانتی‌متر، سطرها چلیپا<sup>۲</sup> و گوناگون، کاغذ فستقی، جلد میشن سرخ.

آغاز: گریه حرف [...] شست از کتاب چشم من تیرگی آورد ماهتاب چشم من فهرست نگار قدمت نسخه را حداقل سال‌های ۱۱۶۱ تا ۱۱۶۴ قمری ذکر کرده است، اما تاریخ تدوین این بخش را با توجه به پانزده مورد تقویم فرضی، می‌توان سال ۱۱۰۳ قمری دانست. زبان و سبک الگوی اسناد تا حد قابل قبولی روان است؛ از این رو، به نظر می‌رسد این بخش از جنگ ما حاصل کار یک «سررشته‌دار محکمه یا محرّر شرع» کار آزموده، که احتمالاً در دوره شاه سلطان حسین صفوی می‌زیسته، فراهم آمده باشد. این جنگ حاوی اسناد منحصر به فردی از قبیل توبه‌نامه، بیع‌نامه، شرط‌نامه و قباله متعه و تمسک‌نامه، محضرنامه (استشهادیه) است. این جنگ با خطوط مختلف و در سنوات متفاوت نوشته شده است (رضایی، ص ۱۰۶-۱۰۷-۱۰۷).

چهار نمونه فرضی از استشهدان‌نامه نویسی، در این نسخه خطی معرفی شده است که در این قسمت بیان می‌شوند:

---

۱. سوره یوسف، آیه ۸۱، ترجمه: وما جز آن چه می‌دانیم گواهی نمی‌دهیم و ما نگهبان غیب نبودیم.  
۲. مورب (کج) نویسی. چلیپا یکی از پرکاربردترین قالب‌ها و شیوه‌های نگارش در خوشنویسی ایران است. به نقل از: لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه چلیپا.

### صورت محضر

استدعا و التماس از عالی حضرات سنی الدرجات سَمی المرتبات عمّال حمیده اعمال و سادات فیض البرکات رفیع مقام و علمای ذوی الاقتدار شریعت انتظام و صلحای بی ریای اولوالاحترام و سایر مؤمنین و کافه مسلمین و قاطبه قاطنین و جمله ساکنان اصفهان، آن که هر کس بر فلان معنی اطلاع داشته باشد اسم شریف خود را در این صحیفه قلمی نماید که نزد صاحب حجت بوده باشد.

### صورت محضر پریشانی

مضمون این صحیفه مخبر است برین معنی که فلان آقا ساکن اصفهان نسبت به حوادث روزگار و نوائب لیل و نهار کارش به آن رسیده که از خوردنی قوتی به غیر از تأسف به دستش نمی افتد و از پوشیدنی لباسی به جز لخت جگر چشمش نمی بیند. آتش مسکنت و عسرتمتاع خانه مکنّت و عشرتش را سوخته کرد، نکبت و ادبار دیده بخت و اقبالش را دوخته سپاه پریشانی لشکر حواسش را که مستحفظان قلعه بدنند متفرق کرده، جیش شکستگی از قوی دستان قوی، گرد فتور برآورده؛ هر کس بر صدق این مقال اطلاع داشته باشد و داند، به شهادت خود این زبور را زینت بخشد و از مدلول آیه کریمه ﴿و لا یکتّم شهاده الله﴾ احتراز لازم شناسند.

### طریق دیگر

استدعا از حضرات سنی المرتبات و علمای عظام عالی مقام و سادات کبار ذوی الاقتدار و کافه برایا و قاطبه رعایا و جمله ساکنان و گروه قاطنان دارالسلطنه اصفهان آنکه هر کس داند که فلان و فلان مطلب است بنویسد.

### طریق آخری

استخبار و استفسار می رود از رؤسا و کدخدایان و سایر رعایا و متوطنان بلوکات و توابع دارالعباده یزد، ازین معنی که هر کس داند که عالی حضرت رفیع منزلت حکومت پناهی

۱. سوره مائده، آیه ۱۰۶؛ ترجمه: و شهادت الهی را کتمان نمی کنیم.

در مدّت فرمانروایی متابعت شریعت مطّه‌ره را نصب العین خاطر فیض مآثر ساخته و همواره تقویت ضعف و رعایت جانب رعایا بر ذمّت همّت خود لازم و متحتم شناخته، همگی همّت بر رفاه حال درویشان مصروف و عنان عزیمت به فراغ بال ایشان معطوف داشته و به دست استغنا خاک بی‌نیازی در دیده آز انباشته، پای تردد آمد و شد غمازان و بدنفسان را به مطرّقه مهابت شکسته و زبان گفتگوی بدگویان و مفسدان را به افسون عدالت بسته و بدین‌وسیله ابواب بهجت و مسرت بر روی عجزه و مساکین گشاده و اساس بنیان عدالت‌پروری و ارکان عمران دادگستری که از تندباد حادثات انهدام پذیرفته بود از نو نهاده و اگر روزگاری به این قرار، حکومت این دیار نماید مزرع آمال ساکنان این محال را روی آن خواهد ساخت و آثار نام نیک بر صفحه روزگار به یادگار گذاشته، دعای خیر جهت ذات با برکات نواب اشرف اقدس همایون اعلی که جان‌های گرامی فدای سم ستورانش باد حاصل نموده و خواهد نمود و شهادت خود را در این صحیفه مرقوم سازد که نزد ارباب دولت قاهره، صدق این مقال ظاهر گردد.»

### نسخه شماره ۳

نمونه‌ای دیگر از استشهدان‌نامه‌نویسی در کتاب *منشآت سلیمانی*، تألیف دبیران دبیرخانه شاه سلیمان صفوی، که به کوشش رسول جعفریان در سال ۱۳۸۸ چاپ شده است (جعفریان، ص ۶۳-۶۵)، نیز وجود دارد. موضوع این اثر، مکاتبات و نامه‌نگاری فارسی است. این نمونه چنین است:

«استشهاد و استعلام و استخبار می‌رود از سادات و اکابر و اهالی و کخدایان فلان‌جا؛ بر آن‌که چون برایشان واضح و هویدا است که فیما بین مردم فلان‌جا و جماعت فلان‌قنات، منازعه شرعی بوده، و بعد از دعوی و مباحثه حسب الشّرع الاقدس، قنات مذکور به تصرف مردم فلان‌جا در می‌آید، کخدایان جماعت فلان‌کومک [کمک] کشیده و هجوم نموده، بر سر قنات مسفوراً آمده که از روی غضب به تصرف خود در آورند. از این‌جانب نیز رؤسا و اهالی آنجا چند نفر مرد مسلّح و مکمل جمع نموده بر سر قنات حاضر می‌گردند. بعد از گفتگو حق‌آب، به محاربه می‌انجامد. موازی

۱. نوشته و بیان شده، به نقل از: لغت نامه دهخدا، ذیل واژه مسفور.

پنج نفر از مردم فلان جا به قتل در می آیند. هر که او را در این حادثه و واقعه، شعور و وقوفی حاصل باشد، اسم شریف خود را در ضمن این صحیفه قلمی فرماید، و اگر از کتابت عاجز شود، دیگری را اذن دهد که اسم شریف او را بنویسد، و ما شهدنا الا بما علمناه. (تحریراً).

### معیارهای شناخت استشهدنامه

استشهدیه‌ها به لحاظ ساختار محتوایی و ظاهری، تفاوت‌های بسیاری با سایر اسناد شرعی مانند مصالحه‌نامه، مبیعه‌نامه و غیره دارند که در ذیل تعدادی از ویژگی‌های اصلی این نوع سند ذکر می‌گردد که عبارتند از:

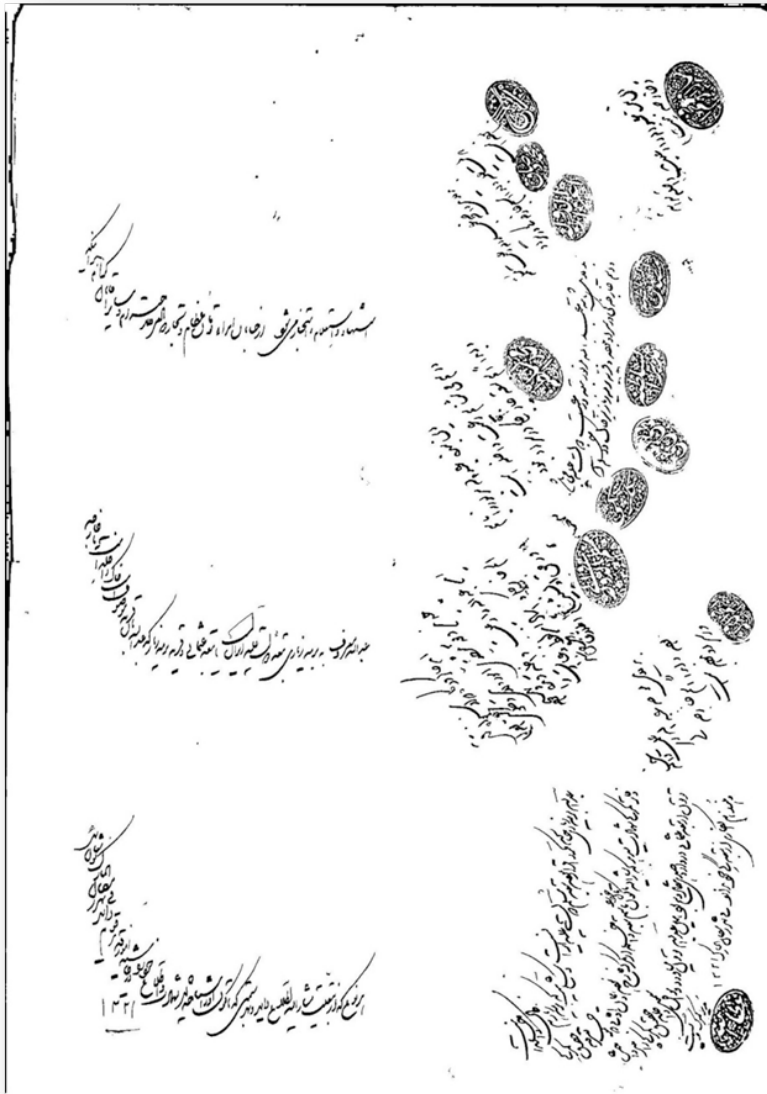
۱. عموماً متنی کوتاه دارند و دارای تناسب ایجازی در کلام هستند.
۲. اکثر استشهدنامه‌ها با وجودی که از یک الگو و ساختار ثابت پیروی می‌کنند اما کاملاً ساختار مشخصی ندارند و رکن اصلی و مهم آن‌ها، سجلاتشان است.
۳. دارای مترادفاتی در نام هستند، که حتی الامکان باید از یکی از اسامی استفاده کرد و عبارتند از: استشهد نامچه، استخبارنامه، استعلام‌نامه، استشهدیه، شهادت‌نامه و ...
۴. فاقد مقدمه چینی (دیباجه و خطبه) طولانی هستند و بی‌درنگ سراغ اصل مطلب می‌روند، به همین جهت در بیش‌تر قریب به اتفاق استشهدیه‌ها نمی‌توان تسمیه (بسمله، تحمیدیه، عنوان)، خطبه، تصلیه و سایر اجزای مقدمه را مشاهده کرد.
۵. عموماً با عبارات استشهد و استعلام می‌نماید، استشهد و استعلام و استخبار می‌نماید، استشهد و استعلام و استفسار و استکشاف، و ... که بیان‌کننده نوع عقد هستند، آغاز می‌شوند.
۶. عموماً در شروع متن و بعد از ایراد صیغه عقد یا جمله استشهد، از مستشهدین که عموماً از معتبرین جامعه هستند هم‌چون: سادات، روحانیون و بزرگان و علمای شرع و گاهی تجار و کسبه و ... درخواست ادای شهادت می‌شود.<sup>۲</sup>
۷. این اسناد زبان خاصی دارند که با واژگان و اصطلاحات فقهی - حقوقی عجین هستند.

۱. سوره یوسف، آیه ۸۱؛ ترجمه: و ما جز آنچه می‌دانیم گواهی نمی‌دهیم و ما نگهبان غیب نبودیم.

۲. گاهی نیز این بخش جمله آغازین متن است.



۸. در اغلب موارد، فاقد تاریخ تحریر هستند. البته در صورت نداشتن تاریخ تحریر در متن، گاهی می‌توان در سجلات آن را یافت.
  ۹. معمولاً دارای عبارات پایانی هم‌چون: وَالسَّلَامُ عَلٰی مَنْ اَتْبَعَ الْهَدٰی، عِنْدَ اللّٰهِ وَ عِنْدَ الرَّسُولِ مَثَابٌ و مَأْجُورٌ خواهند گردید، اجرکم عندالله و ... هستند.
  ۱۰. سرشار از سجلات (گواهی‌ها و مهرها)، با نوع نگارش‌ها و مهرهای مختلف، یا به بیان بهتر، (کثیر الاجتهاد) هستند.
  ۱۱. سجلات خاص خود را دارند و شهود جهت ادای شهادت از عبارات مختلفی هم‌چون: لَا رِیْبَ فِیْهِ، وَقَوْعُ مَرَاتِبِ الْمَسْئُولَةِ، بَلٰی، مَرَاتِبِ مَسْئُولَةٍ؛ هیچ شکی نیست؛ شَهِدْتُ؛ كَالشَّمْسِ فِی رَابِعَةِ النَّهَارِ، ظَاهِرٌ وَ هُوَیْدَاسْتٌ و ... استفاده می‌کنند.
  ۱۲. معمولاً کسی که سؤال را مطرح می‌کرده از خود نام نمی‌برده است و بنابراین در اکثر موارد، فاقد مهر و امضاء نویسنده هستند.
  ۱۳. ساختار محتوایی و شکلی این اسناد، به دو بخش متن و حاشیه تقسیم می‌شوند.
  ۱۵. نقش زنان در استشهدانامه‌ها نسبت به سایر عقود اسلامی کم‌تر است و در هیچ‌کدام از استشهدادیه‌ها، از زنان به عنوان شاهد استفاده نشده است و این امر نشان‌دهنده این نکته است که زنان بنا به حکم شرع، جز در موارد خاص شهادت نمی‌دهند.
  ۱۶. استشهدانامه‌ها به لحاظ شکلی، فاقد تزیینات هستند.
- در پایان این مقاله چند نمونه استشهدانامه را که متعلق به دوره قاجار هستند به همراه بازنویسی و نقد و تحلیل ارائه می‌گردند:



سند شماره ۱

معرفی اختصاری سند: شماره بازیابی: ۱۳۲۱-۱۳-۰۷-۱۰۲، وابستگی مکانی: نامشخص، تاریخ سند: ۱۳۲۱ ق. محل نگهداری: مرکز اسناد وزارت امور خارجه.

## بازنویسی سند

[بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ]

۱ استشهداد و استعمال و استخبار می‌شود؛ از جنابان امراء تومان عظام و تجار ذو العزّ و الاحترام و سایر آقایان کرام، براینکه<sup>۲</sup> عبدالله معروف به برمه زیاری تبعه دولت علیه ایران است یا تبعه دولت عثمانی و قریه برمه زیار که عبدالله به آن قریه موصوف است خاک داخله است نه خارجه؛<sup>۳</sup> هر نوع که از تبعیت مشاژالیه اطلاع دارید و به هر سمتی که تاکنون او را شناخته‌اند شهادت و اطلاع خود را در حاشیه این ورقه مرقوم دارند؛ فی شهر رمضان المبارک توشقان نیل سنه ۱۳۲۱.

[(الشهود بذلک)]

۱. به دلایل واضحه عبدالله رعیت مسلمّه دولت علیّه و ابداً اسم خارجگی در سراو نبوده است.

[مهر]: الراجی مصطفی ۱۲۹۵؛ محمد صادق؛ اعزاز الدوله

۲. این بنده عبدالله را رعیت داخله می‌داند و خارجه نیست.

[مهر]: سالار افخم

۳. به دلایل ثابتّه عبدالله مزبور تبعه و رعیت دولت علیه می‌باشد و اسم خارجگی در سراو نبوده و قریه برمه زیار برخاک داخله است.

[مهر]: مصدّق السلطنه؛ مدبّر السلطنه؛ محمد تقی (نقی؟) ابن نقی (تقی؟)؛ بیگلر بیگی، حبیب‌الله.

۴. این بنده عبدالله مزبور را به اسم و رسم می‌شناسم، رعیت داخله است و ابداً اسم تبعه خارجگی در سراو نبود.

[مهر]: مجد السلطنه

۵. این چاکر درگاه که او... قبل چندین وقفه متصدّی امور ولایتی و حکومتی بوده‌ام این عبدالله آر رعیت داخله دیده و به هیچ وجه اسم خارجگی و استناد این لفظ و عبارت را در حق او نشنیده‌ام. اطلاعاً عرض شد.

[مهر]: والی منتظم الدوله ۱۳۱۸

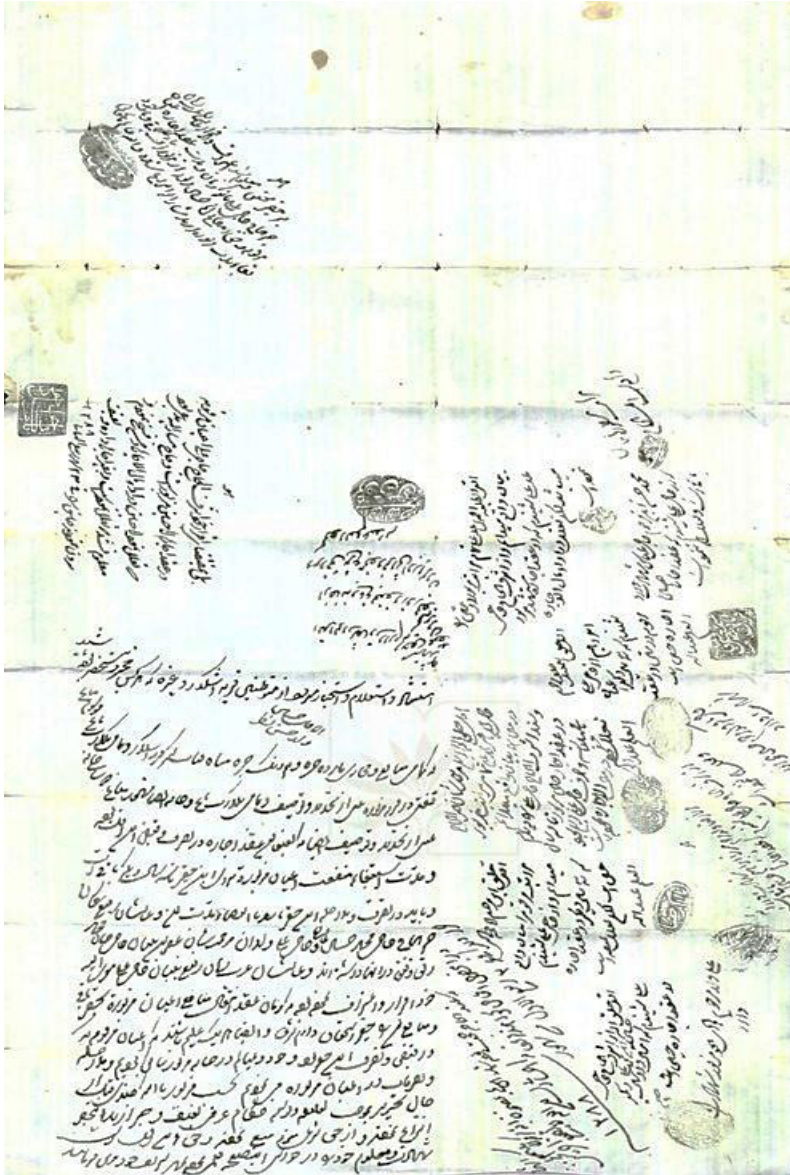
۶. به دلایل موجه عبدالله رعیت داخله بوده و ابداً اسم خارجگی در سراو نبوده است.

[مهر]: افخم الدوله

۷. عبدالله برمه زیاری حالیه مکرراً اقرار نموده تبعه مسلم دولت علیه ایران است و شکی نیست که برمه زیار هم خاک داخله است، دفاتر گمرکی شهادت می دهد که مشاّر الیه تاکنون مال خود را به اسم تبعه داخله از گمرک خارج نموده و همان اوقاتی که به موجب تعرفه حقوق گمرکی توتون از تبعه عثمانی دروازه (؟) صدی هفتاد و پنج بود همین عبدالله توتون می آورد و موافق معمول داخله حقوق گمرکی را می پرداخت و هنوز هم انکاری از تبعگی خود ندارد؛

فی شهر رمضان المبارک ۱۳۲۱. مدیر گمرک و پست.

[مهر]: عطاء الله



سند شماره ۲

معرفی اختصاری سند: شماره بازیابی: ۲۹۶-۲۱۰۳۲؛ وابستگی مکانی: اشکدر، تاریخ  
سند: ۱۲۸۸ ه. ق، محل نگهداری: سازمان اسناد ملی ایران.

بازنویسی سند

[بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ]

استشهاد و استعلام و استخبار می‌رود؛ از متوطنین قریه اشکور و غیره، که هر کس مخبر و مستحضر بوده باشید<sup>۲</sup> که؛ تمامی منابع و محازی یازده جزه<sup>۱</sup> و نیم دنگ جزه<sup>۱</sup> میاه قنات کبیر قریه اشکذر و تمامی یک درب باغ موسوم به باغ<sup>۳</sup> نفتی در قریه مزبوره، پس از تحدید و توصیف و تمامی یک درب باغ و خانه، ایضاً مشهور به باغ دو... خانه<sup>۴</sup> پیش از تحدید و توصیف ایضاً که... آن عقد اجاره در تصرف و قبض این اقل بوده<sup>۵</sup> و مدّت استیفاء منفعت اعیان مزبوره برای این حقیر باشد، سال دیگر باقی است<sup>۶</sup> و باید در تصرف و مداخله این حقیر باشد تا انقضاء مدّت آن و عالی شأن رفیع مکان<sup>۷</sup> حرالحاج، حاجی حسین عالی شأن و حاجی علی ولد آن مرحمت شأن معمر این بنیان حاجی جان محمد<sup>۸</sup> رتق و فتق در آن‌ها داشته‌اند و عالیشان عرب لسان رفیع بنیان، حاجی علی مومی الیه،<sup>۹</sup> خود اقرار و اعتراف نموده بوده که زمان عقد انتقال منافع اعیان مزبوره به حقیر باقی<sup>۱۰</sup> و منافع آن را حقیر استحقاق دارم، شرف (؟) و ایضاً هر یک علی‌ام باشند که اعیان مرقومه که<sup>۱۱</sup> در قبض و تصرف این حقیر بوده و خود و عیالم در خانه مزبور ساکن بودیم و مداخله<sup>۱۲</sup> و تصرفات در اعیان مزبوره می‌نمودیم به حسب مزبور با این که چندی قبل از<sup>۱۳</sup> حال تحریر به موجب مبیعه (؟) و نوشته حکام عرض به عنف و زور، از ید این حقیر<sup>۱۴</sup> انتزاع نمودند و از حق شرعی مبرز بیع نمودند؛ و حق این اقل است<sup>۱۵</sup> شهادت و معلوم خود را در حوالی این صفحه قلمی نموده [و] به مهر شریف خود مزین فرمایند، [←] که عند الحاجة حجت بوده باشد. به مضمون آیه کریمه ﴿لَا نَكْتُمُ الشَّهَادَةَ﴾<sup>۱۶</sup> در این خصوص اغماض نخواهند فرمود، که احسانی است. ﴿مَنْ اللَّهُ لَا يَضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾<sup>۱۷</sup>؛

جزر ذلک فی ۲۶ ربیع الأول من شهر سنه ۱۲۸۸.

[(الشهود بذلک)]

۱. هو؛ بر حقیر محقق و معلوم شد اعتراف و اقرار عالی شأن عرب لسان، حرالحاج،

۱. نهر، به نقل از: فرهنگ فارسی، فرهنگ معین و لغت نامه دهخدا، ذیل واژه جزه.

۲. سوره مائده، آیه ۱۰۶، ترجمه: شهادت الهی را کتمان نمی‌کنیم.

۳. سوره توبه، آیه ۱۲۰؛ سوره هود، آیه ۱۱۵؛ سوره یوسف، آیه ۹۰، ترجمه: خدا پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌گرداند.

حاجی علی به آن‌که، زمان و مدت عقد اجاره اعیان مرقومه و حق انتفاع آقا حسین مزبور از مزبورات بناء، باقی و با وجود بقاء مدت مزبوره از ید مشارالیه انتزاع شده؛ و الله عالم بالحقایق.

[مهر]: (المتوکل علی الله الغنی محمد الموسوی)

۲. هو؛ بلی به مقتضای اقرار خود اشرف الحاج، حاجی علی، اعیان مرقومه، در عقد اجاره آقا حسین مزبور است و حاجی مشارالیه مدعی بود که تعلل نمود آقا حسین در اداء مال الاجاره و من فسخ نمودم و معلوم نشد که تعلل نموده است و به غیر اجاره داده و به عنف بیرون نمودند حسین را؛ فی ۲۳ شهر ربیع الثانی ۱۲۸۸.

[مهر]: (بکّل الامر جواد، ۱۲۸۳)

۳. اقل السادات، شهادت دارم که حسین مستشهد را از خانه و باغ به عنف و زور بود که بیرون نمودند و موافق شرع نبود و فراش او را بیرون کرد. العلم عندالله.

[مهر]: (المتوکی علی الله عبده محمد الطباطبائی ۱۲۷۱)

۴. اقل الطلبة، احمد بن ملاً علی، تمام مراتب مزبور در متن را بیان واقع میدانم و از اشرف الحاج؛ حاجی ملاً علی شنیدم که در عقد اجاره مستشهد مزبور می‌باشد، لکن تعلل در اداء مال الاجاره نموده است.

[مهر]: (عبده احمد)

۵. مراتب مسطوره بیان واقع است. اقل الحاج؛

[مهر]: (یا علی)

۶. محمد حسن ابن مرحوم حاجی عباس شهادت دارد که از حاجی علی شنیدم که عقد اجاره حسین باقی است و تعلل هم ننموده است.

۷. اقل خلق اسمعیل، خلف مرحوم ابراهیم از حاجی علی شنیدم که سه سال دیگر، اعیان مرقومه در متن، در عقد اجاره حسین است. العلم عندالله.

[مهر]: (العبده اسمعیل)

۸. اقل خلق الله ابن مرحمت شأن خیرالحاج حاجی محمد باقر محمد علی، تمامی مراتب مزبور در متن را بیان واقع می‌دانم و سند اشرف الحاج حاجی علی را دیدم در عقد اجاره مزبور تا سه سال باقی می‌باشد و صرف حاجی علی مزبوره تعلل ننموده در متن الاجاره نموده است. العلم عندالله.

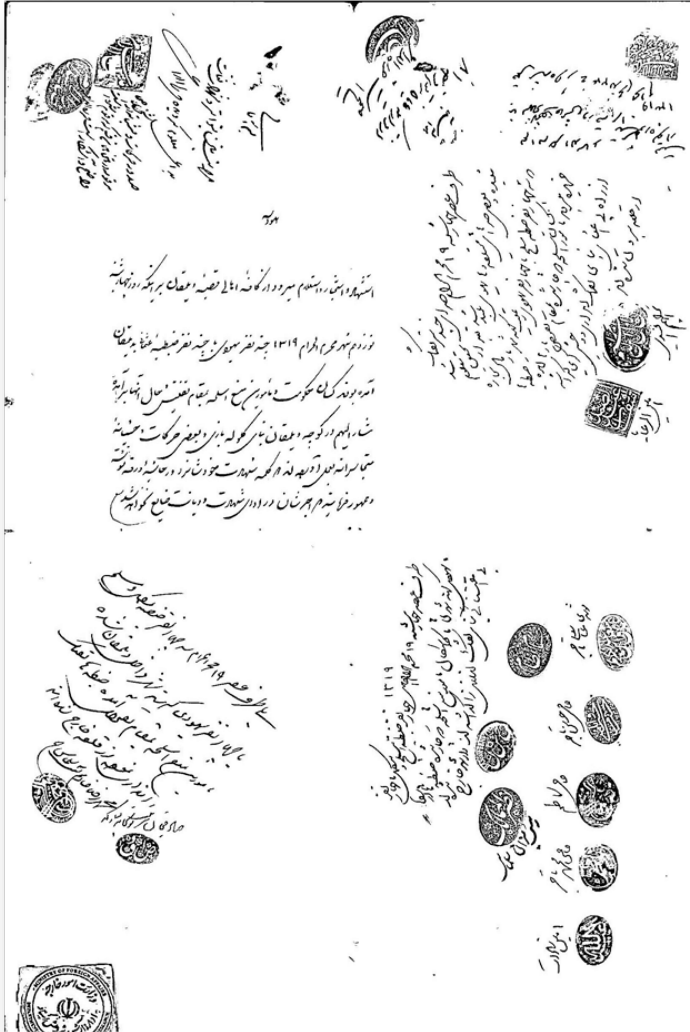
[مهر]: (عبده الراجی، محمدعلی)

۹. هو؛ میرزا رضا ولد مرحوم میرزا ابراهیم شهادت دارد که از اشرف الحاج حاجی علی شنیدم که عقد اجاره حسین باقی است و تعلق هم ننموده است.
۱۰. حاجی باقر ولد مرحوم حسین به نحو مزبور شهادت دارد.
۱۱. اقل خلق ابن مرحوم آقا محمدهادی، مراتب مرقوم را بیان واقع می دانم و از حاجی علی شنیدم که سه سال دیگر در عقد اجاره حسین است، لکن تعلق ننموده است. العلم عندالله.

[مهر]: (یا امام رضا ۱۲۷۲)

۱۲. اقل خلق الله از اشرف الحاج، حاجی علی شنیدم که حسین بن محمدعلی، ۱ سال و دو سال دیگر در عقد اجاره حسین است. صحیح است.
۱۳. علی ولد مرحوم هادی به نحو مزبور شهادت دارد.
- [مهر]: (عبده گل محمد ابن علی .. ی)





سند شماره ۳

معرفی اختصاری سند: شماره بازیابی: ۱۳۱۹-ghamari-۲۴-۱۳-۱۶۹، وابستگی مکانی: دیلمقان، تاریخ سند: ۱۳۱۹ ق. محل نگهداری: مرکز اسناد وزارت امور خارجه.

### بازنویسی سند

۱ هوالله؛<sup>۲</sup> استشهاد و استخبار و استعلام می‌رود؛ از کافه اهالی قصبه دیلمقان،<sup>۱</sup> براینکه روز چهارشنبه<sup>۳</sup> نوزدهم شهر محرم الحرام ۱۳۱۹، چند نفر یهودی با چند نفر ضبطیه<sup>۴</sup> عثمانی به دیلمقان<sup>۴</sup> آمده بودند، کسان حکومت و مأمورین منع اسلحه به مقام تفتیش حال آن‌ها برآمده،<sup>۵</sup> مشارالیه در کوچه دیلمقان بنای گلوله بازی و بعضی حرکات وحشیانه<sup>۶</sup> متجاسرانه به عمل آورده‌اند، دو کلمه شهادت خودشان را در حاشیه ورقه نوشته<sup>۷</sup> و ممهور فرمایند که اجرشان در ادای شهادت و دیانت ضایع نخواهد شد.

[الشهود بذلک]

۱. بسم الله تعالی [و شأنه]؛ مراتب متن به تواتر و شهادت ثقات به داعی معلوم گردیده؛ حررها الداعی.

[مهر]: (امین الاسلام، لطفعلی)

۲. صدور حرکات وحشیانه در اشخاص مرقومه در متن همان قسم که مرقوم شده است واضح و آشکار است. حررها الداعی.

[مهر]: (صدر الاسلام)

۳. هوالله سماء؛ از قراری که آقایان مرقوم فرموده‌اند صحیح است. حرره الداعی.

[مهر]: (صدق الاسلام)

۴. بسم الله خیر الاسماء؛ بنا به شهادت شهود در هامش ورقه، مراتب مسطوره به قراری است [که] قلمی شده؛ حرّرفی شهر محرم الحرام ۱۳۱۹

[مهر]: (الملك الحق المبین لا اله الا الله محسن بن محمد باقر)

۵. طرف عصر چهارشنبه ۱۹ محرم الحرام صدای چند تیرتفنگ شنیده و بعضی صداهای مختلفه و مایهوی بلند شد بعد از تحقیق معلوم شد که سه چهار نفر ضبطیه مسلح با چهار نفر یهودی رعیت کهنه شهریار مال تجاره خریده می‌بردند [به]

۱. دیلمقان نام شهری در محل فعلی شهر سلماس، واقع در استان آذربایجان غربی بوده است که در زلزله‌ای به سال ۱۳۰۹ ویران شد. درباره نام دیلمقان گفته شده است که ریشه آن دیلم + گان یا جایگاه دیلمیان است.

۲. (صفت اسم) ژاندارم امنیه در دوره قاجاریه، به نقل از: فرهنگ معین، ذیل واژه ضبطیه.

کسان مأمور اسلحه دچار شده به مقام تفحص بارها آمده ضبطیه، از راه بی‌اعتنایی بنای تفنگ‌اندازی و وحشی‌گری گذاشته [و] از قلعه بیرون شده‌اند.

[مهر]: ابراهیم افندی (ابراهیم ابن جلال الدین)؛ امین الرعایا (یوسف ابن عبدالصمد) ۶. طرف عصر چهارشنبه ۱۹ محرم الحرام ۱۳۱۹ چهار نفر ضبطیه مسلح و مکمل با چهار نفر یهودی کهنه شهری با گماشتگان مأمور منع اسلحه دوچار شده ضبطیه‌ها از راه بی‌اعتنایی بنای تفنگ‌اندازی را گذاشته‌اند و از شهر خارج شده‌اند.

[مهر]: (حسام نظام، محمدباقر)؛ (حسن)؛ رییس. زان سلماس (نصرالممالک)؛ مشهدی عباسعلی تاجر (عباسعلی ابن عبدالکریم)؛ حاجی حسین تاجر (حسین منی و انا من حسین)؛ حاجی کاظم (ناخوانا)؛ حاجی محمد تاجر (عبده محمد)؛ امین سادات (عبدالله)

۷. بلی؛ طرف عصر ۱۹ محرم الحرام سه چهار نفر ضبطیه مکمل و مسلح با چهار نفر یهودی کهنه شهر، داخل دیلمقان شده مأمورین منع اسلحه به مقام تفحص آمده ضبطیه‌ها تفنگ‌اندازی نموده از قلعه خارج شده‌اند. محمدرضا خادم پست سلماس. حرره.

[مهر]: (الراجی محمدرضا)؛ صادق جان، سرتیپ توپخانه مبارکه (صادق ۱۲۹۰) [شهود ظهریه]:

۸. طرف عصر روز چهارشنبه ۱۹ شهر محرم الحرام صدای چند تیر تفنگ شنیده و بعضی صداهای مختلفه و مایهوی بلند شد؛ بعد از تحقیق معلوم شد که سه چهار نفر ضبطیه مسلح و با چهار نفر یهودی رعیت کهنه شهر، به مال التجاره خریده می‌بردند، به کسان مأمور اسلحه دچار شده، به مقام تفحص بارها آمده ضبطیه [و] از راه بی‌اعتنایی بنای تفنگ‌اندازی و وحشی‌گری گذاشته از قلعه بیرون شدند.

[مهر]: حاجی علیقلی (عبده علیقلی)؛ حاجی ابراهیم (ابراهیم)؛ حاجی تقی (الراجی محمدتقی ۱۲۸۴)؛ مشهدی عباس (ناخوانا)؛ قربانعلی خان (عبده قربانعلی)؛ کربلایی اسدالله (اسدالله ۱۳۰۹)؛ حاجی عباسعلی (عبده عباسعلی)؛ میرزا ابراهیم خان (سلام علی ابراهیم ۱۳۱۷)؛ کربلایی غلامعلی (غلامعلی ۱۳۱۶).

### نقد و تحلیل نمونه‌های ارائه شده

هر کدام از نمونه‌ها، تنها در یکی از بخش‌های ساختاری مانند تحمیدیه، دیباچه (در بیان صیغه استشهاد یا بیان نکردن آن و نیز شیوه درخواست از شهود) و زبان نگارش یا مکان و شیوه درج تاریخ و یا در بخش حاشیه (در شیوه تخصیص فضای حاشیه به اظهارات شهود و ...) با هم تفاوت دارند؛ ساختار محتوایی و شکلی این اسناد به دو بخش متن و حاشیه تقسیم شده است. متن اصلی و اضافات تنها در روئیه سند نوشته شده و هر سه فاقد تزینات هستند. در ساختار اکثر اسناد شرعی ارکان همه عقود رعایت شده است خصوصاً اظهار صیغه عقد؛ در استشهادنامه‌ها هم همین‌گونه است. عامل کاربرد این عبارت، سلیقه در شیوه بیان و زبان گفتاری محرر سند است؛ در سه نمونه سند مطرح شده، این رکن در مقدمه به کار برده شده است و هر سه سند با عبارت: استشهاد و استعلام و استخبار ...، که بیان‌کننده نوع عقد هستند آغاز شده‌اند. بعد از ایراد صیغه عقد یا جمله استشهاد، از افرادی که آگاه و مطلع و چگونگی رویداد هستند با توصیه به امر شهادت دادن از دید فقهی و مذهبی، درخواست ادای شهادت شده است. نمونه اسناد مطرح شده سرشار از واژگان و اصطلاحات فقهی - حقوقی هستند و در قسمت سجلات (گواهی‌ها و مهرها) نیز با نوع نگارش‌های مختلف از عبارت‌های مختلفی استفاده شده است.

به لحاظ قواعد ساختاری، تاریخ تحریر باید در گوشه پایین سند ذکر گردد. محل ذکر تاریخ در سند شماره ۱ و ۲، انتهای متن، اما سند شماره ۳ فاقد تاریخ تحریر است و تنها در ابتدای نگارش متن اصلی و بیان چگونگی وقوع حادثه، تاریخ وقوع آن ذکر گردیده است.

### نتیجه

با وجودی که در نگارش استشهادنامه‌ها سبک و سیاق کاملاً مشخص و ثابتی دیده نمی‌شود اما مانند سایر اسناد شرعی دارای ساختار سندنویسی مجزا نسبت به دیگر اسناد هستند که با موشکافی دقیق سندشناسانه می‌توان به آن‌ها دست یافت. این اسناد ساده‌تر از سایر اسناد شرعی بوده و در اغلب موارد متنی کوتاه و سجلات بسیار دارند. این اسناد به لحاظ ساختار محتوایی و ظاهری، تفاوت‌های بسیاری با سایر

اسناد شرعی دارند و با توجه به این‌که اسناد و ادله‌های شرعی بنا به ماهیت و شرایط زمان وقوع عقد، انشعابات گوناگونی می‌یابند، لذا هر سند پژوهی به دلیل تحولات و تغییرات نگارشی اسناد، باید علاوه بر بررسی اسناد واقعی به جامانده از نمونه‌های فرضی ارائه شده در جنگ‌ها و منشآت و ترسّله‌ها نیز استفاده نماید. این نمونه‌های فرضی در معرفی شیوه‌های مختلف انواع سند از جمله استشهدان‌نویسی کمک شایانی به محقق و سند پژوه می‌کند.

### کتابنامه

#### قرآن مجید

##### اسناد

اسناد موجود در سازمان اسناد کتابخانه ملی، مرکز اسناد آستان قدس رضوی، مرکز اسناد وزارت امور خارجه، مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، مرکز اسناد کتابخانه ملک.

##### نسخ خطی

منشآت تیموری و عثمانی، شماره بازیابی: ۰۲۰۸۵، کتابخانه مجلس شورای اسلامی. نویسنده نامشخص: جنگ نظم و نثر، شماره بازیابی: ۴۷۴۶، کتابخانه و موزه ملک.

##### فرهنگ‌ها

#### لغت‌نامه دهخدا

#### فرهنگ اصطلاحات معین

##### کتاب

دیران دبیرخانه شاه سلیمان صفوی: منشآت سلیمانی، به کوشش رسول جعفریان، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

رضایی، امید: درآمدی بر اسناد شرعی دوره قاجار، مؤسسه مطالعات و فرهنگ‌های آسیا و آفریقا، ژاپن ۱۳۸۷.

حسینی اشکوری، سید صادق: اسناد شرعی در کتابخانه میرزا محمد کاظمینی، چاپ اول، مجمع ذخائر اسلامی قم با همکاری بنیاد ریحانة الرسول (س)، یزد، بهار ۱۳۷۸. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ملک، (مجموعه‌ها و جنگ‌ها)؛ ج ۸، چاپ اول، زیر نظر ایرج افشار و محمد تقی دانش‌پژوه، ۱۳۶۹.

##### مقالات

روستایی، محسن: «تعییری از سند و سندشناسی و نقش آن در پژوهش و توصیف اسناد تاریخی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، تیر ۱۳۸۹، شماره ۱۴۶.

رضایی، امید: «جنگ خطی از دوره صفویه (شامل نوزده الگوی سند نویسی)»، میراث جاویدان، سال سیزدهم، شماره ۵۱.

##### نرم‌افزارها

نرم‌افزار نور (ایران اسلامی)